

فرزندم، چاهای مخالی را با کلمه‌های مناسب پر کن.

چو ایران نباشد، تن من بدین و، زنده یک تن مباد

فردوسی

دویست سال بود که، سلسله‌ی را در ایران،
دویست سال بود که کشور ما کشور جهان به شمار می‌رفت.
..... با و شکوه، مرکز این سرزمین
بود.

در میان این همه و جلال، ناگاه تاخت و تازی از سوی،
گشت. که مردی و بوده از سرزمین با لشکری
انبوه به سوی کشور ما، ایران، آورد.

آهنگ ایران کرد	وقتی که اسکندر
با خاک، یکسان کرد	هرجا که شهری دید

امیدها به یک باره، به
آیا باید به همین به اجازه دهیم که سرزمین ما را سم اسبان خود
کنند؟

هرگز اهرگزا تا آخرین خون، در برابر، پایداری
.....

اسکندر با خود در خاک ایران و به سوی پیش می‌رفت.
او برای ورود به پارس با از تنگ در میان کوه‌های سر به فلک
کشیده، از این رو، سردار دلاور و ایرانی، چاره را در آن

دید که در این را بر او ببندد.

آفتاب، تازه تاریکی شب را کنار زده بود که، سوار بر اسبی و نیرومند سپاه خود را از پشت کوه به سوی بلندترین آن به پیش راند. اسب سردار با یال و دم، پیش از اسب‌های دیگر، سوار خود را به بالا می‌کشانند. هرچند گامی که بر می‌داشت، نفس را به تنگی بیرون می‌داد، سر را بالا می‌آورد و و خود را آشکار می‌ساخت. گویی او نیز از ناگوار اما پر شکوه سوار خود، بود. وقتی و به بالای کوه رسیدند، اسکندر، وارد شده بودند. در این زمان، آریوبرزن، بر آورد:

«من، آریوبرزن

فرزند ایرانم

در آخرین سنگر

اینک تنم، جانم»

سپس، فرمان داد تا سربازانش، سنگ‌های بزرگی را از بالای کوه به پایین در سنگ‌ها با هر چه، به پایین کوه و در میان سپاه اسکندر؛ برخی نیز در راه به یا سنگی دیگر و می‌شدند و با شدتی در میان فرود می‌آمدند و گروهی را پس از گروه دیگر، نقش بر زمین می‌کردند. اسکندر که تا آن زمان در هیچ‌جا این‌گونه، در برابر سپاه خود ندیده بود، اندوه شد. پس فرمان داد و در حالی که در هر، تنی چند از بر خاک، به برگشت.

بخوانید و تمرین کنید.



۱- با توجه به جدول سمت راست، جدول سمت چپ را کامل کن.

			سادگی

سادگی	سهمگین	عظمت	
سادگی	عظیم	اوضاع	فروغ زرین
جنگ تحمیلی		محاصره	
	سلاح	مقدونیه	
	هجوم	ورود	نقطه
پیغام	می غلتیدند		خواری و خفت
قوت	بیگانگان	خاطره ای	

۲- شکل درست کلمات زیر را بنویس.

آشفته گی _____ یوروش _____ نواهی _____
 قرغ _____ فورود _____ محاصره _____